

File No.

1856.57.

Collection No. 9

MUTINY PAPERS

Pros. Serial No.

Files of SIRAJUL AKHBAR.

Vol. 12 ; no. 52 ; March 14, 1857.

Subject

Views about The Moghul Court at Delhi and select news from The DEHLI URDU AKHBAR.

Foll. 4 ; Size 12" x 7  $\frac{3}{4}$ " (Printed).

Previous References.

Later References.

# نمبر ۲۵ سراج الاخبار جلد اول

این تبادلی می باشد بنفقه هم در محبت شری مطابق ۱۴ مارچ ششماه نجات ۲۳ به مقام که

اخبار در بار جهان از حضرت بجا فی خلیفه الرحمانی مرفوع خان

عالم نشان کوزکانی حراج دو دران کج نشان صاحبانی خلد ملک

همیشه تا که بود در همین و سهند

بفرحی سعادت همیشه را دیری

سحرگاه بر لبه بنیک آفری چکل سرخ بر طاق نکلوز

شهنشاه دین شاه فریضه و نافله آباد کرده

شرف نبض شناسی به احترام الله اولیها

نخستین به در بار کردون آفتاب و آفتاب آروز

کردینه حاضرین با کلهک او اب و کولش

سجا آورده دست سببه استبان و کلیل سکا

خیزی سعادت و خشن به بند برشس مجرا و تسلیم

بخت بهادر و قلعه ار بهادر زمانه جید

جلد اول

بمبلغ چهار هزار و نهصد و هفتاد و یک روپیه چهار

آنهاست آمدنی فصل خسته است فصل

مواضع روست و مگر و سی و غیره قبول والا

و در وی مس کاغذ زر آمدنی معمول مانع صفا

آباد و املاک متعلقه ان صرف خاص حضور

و نور فرمودند که داخل می ان حسب سخته

مرتب شود و بعد جلوه آرای محمل و الاشته

نصف النهار حکام نعمت برای ماده طعام

کننده قتلوه گاه ار سخته با و ای نازر شین

و دیگر اشغال دشمن حضور خواننده خسرین

مخصوصی تو زک رکاب و عمده عقیدت است  
 شویج تفریح و گلگشت سلیم که شده شام  
 هنگام از انجام راحت نموده داخل نگاه  
 خسروی گشته بر وقت حضور حکمت  
 پناه ببولانته منصفی ادنی مواضع کرد  
 و غنغ نزمیت فرخ از خزانه کجی جدول  
 ساخته داخل خزانه عامه شاهی

### یوم کجسته هم حسب

الصبح از آن در ای فریفته آباد  
 نموده احترام الدوله بهادر را شرف  
 نفس شناسی بخشیده توجه گلگشت  
 سلیم که شده بعد ملاحظه سبزه زار  
 دریا مراجعت فرموده در دیوان  
 خاص رونق افروز گشته و در اینجا  
 بنده دست زمانه داخل محل والا  
 گردیده نصف النهار هنگام نعمت برآید  
 مایه طعام شده قیلو که گاه ار استند  
 بودنی نماز شبین و دیگر اشغال نشین  
 عصر خوانند خشمین بنابر حضور

توزک در باب بر بخت نواخته شام گاه  
 بعد مغرب احترام الدوله بهادر را یاد کردند

### یوم دوشنبه نوزدهم حسب

باشناز بنا شیر آباد فرضیه مظهر ادای  
 نموده سعادت نبض شناسی با احترام الدوله  
 بخشیده بعد به بار نبض دار رونق افروز  
 شدند ملاحظه دو قطعه شقه کرامت مرصه  
 مرتبه دار الانشا اسمی استغنت بهادر  
 کلی مقدمه رسید ادنی باغ صاحب آباد و دیگر  
 ادنی مواضع رو به پشت گدوی بتولی و لا  
 مسجل مبرق قدس فرموده بنابر حسب  
 حواله غلام احمد خان سر جوکی دیوان خاص  
 گشت به پذیرش اداب و کورنش بهادر  
 نامی زبانی حمیده از وجود بار اجتنبی و طعنه  
 داخل محل معیله شدند نصف النهار  
 هنگام لذت بخش خوان طعام شده قیلو  
 گاه ار استند باو ای نماز شبین و دیگر اشغال  
 و نشین عصر خوانند احشورین بنابر حضور  
 توزک در بار و عمده سواری متوجه سیر  
 هوا خوری گردیده و در انطای رونق افروز

نظارت خان و دیگر اراکین و نشان نشین  
مجرانواخته شام گاه داخل ابوان  
شهریاری شدند بعد مغرب حکمت  
بناه را یاد نمودند فقط . . . . .

### یوم شنبه بیستم حرم

قبل از طلوع نیرباد فریضه وقتی سودا نمود  
احترام الدوله بهادر را بر بنفش شناسی ساز  
کردند حضور اراکین بلند نیکین در وقت  
جبهه آری در بارگه دیدند را اداب و کورس  
حاضرین پذیرفته مرخص فرمودند و کلاه  
عوضی داروغه باغ صاحبه لاد مع کلاه آبی بود  
و کلاه سته هلمی بهار سنجیده آن کایت بقبره با  
خلافت غره ناصیه جلالت مرزا محمد جوان  
بخت بهادر و نهی بکیم و اغا بکیم و نیز  
حضرت غلام نصیر الدین مرحوم و میان  
حسن عسکری چیوتی بکیم و غره بخشیدند  
بعد برکش اداب و کورس بهادران  
کلاه خطه نغمه واجب العرض سبقت  
بهادران جنبشی مع نقل و بگاری عدالت

دروانی دینچا ص و اصل طلا عنانه مقدمه  
زاشد اس مدعی بنام مرزا خدا بخش بهادر  
مدعا علیه بدرخواست ثبت اطلاع عیال  
ان مرزا فرمودند که حسب برشته تحریر  
اگای مدعی علیه معرفت میر عدل بهادر  
بمحل آب نصف النهار شکام نعمت بهادر  
میده طعام قیلوله گاه اراکین با دانی نماز  
پیشن و دیگر شغالی و نشین عصر خوانند  
احسن بهار نبض حضور اراکین نور ک فضا  
منوجه سیر و تفریح کرده و در آنجا  
سواران نظارت خان را بر اراکین  
بلند نشان نشینت مجرای ساند  
شام گاه از راه دیو مدعی خواص پور  
داخل عشرت ساری خاص شدند  
بعد مغرب حسب معمول احترام الدوله  
بهادر یاد نمودند فقط . . . . .

### یوم چهارم بیست و یکم حرم

سبقت و برنگه فریضه وقتی ادا کرده  
احترام الدوله بهادر را بر بنفش مقدم

کامیاب نموده مسند آری جهانمانی  
 گشتند و رضا در بار مجرا تسلیم سجا اوده  
 مورد استیادند به بد پریش اوان و کور  
 احمیت بهادر و قلعه اربا در سلا خطه دو قطعه  
 شتقه کر است مرفعه مرثبه دار الافک  
 خاص اسمی امین الدوله بهادر یکی مقدمه  
 عنایت کردن مبلغ شتاد و نفقت رود  
 بهشت انده زر مختار احمد علی و کیل صدر  
 دیوانی عدالت اگره بابت مقدمه  
 نادر محل سلیم بن ارد که مبلغ مذکور صحاب  
 سیف الدوله و کیل سلطانی و مرثبه  
 میشود باید که انفذوسی خاص به بر بعید  
 ترو و کیل عدالت مذکور فرستاده  
 رسیده من بیار گاه خسروی ارسال  
 نماید و دومی مع نقل عوضی مرزا لوط  
 و مرزا فیاض الدین و نوشتا به یکم و غیره  
 ساکنان بنارست بوضع نسبت نمودن  
 مرزا زور و راور نخب بهادر از صید خود  
 با نسر بود بر این سنکه نامی تعلقه دار  
 موضع نگاری متعلقه اصلاح عظیم آباد  
 متضمن بلال خاطر ساجون بر یافت

بجو امر نالایم که گاهی سچکس از اهل خاندان  
 خسروی مرتکب جنین عمل قبیح کرده و از  
 مردم غیر کفو از سر ذمی شرح متبن ممنوع  
 دنا ر و است لازم که ان امارت مرتب ترو  
 نقل شتقه خاص مع نقل النقل و بعضی کثرت  
 پیش احمیت بهادر فرستاده بزنگار که  
 مرزا بهادر نخب و مرزا زور و راور نخب  
 بهادر را ازین امر مقبوح باز دارد و نیز  
 ایشنا مع کلی به بود بر این سنکه از بیغی نماید  
 تا ازین حسن نظام امری خلاف امین  
 آباد و اجداد بومون نیده جل بهر خاص که  
 انحصار فرموده حکم اجای سر شتقه  
 نصف النهار شکام نعمت آری خوان طعام  
 شده قبله که گاه آرا گشته باو ای نجا بشیر  
 و دیگر اشغال دشمن عصر خوانده نه خیرین  
 بهار حضوره نوزک رکاب و عله  
 عقیدت مات بر نخت مشرف  
 داشته شام گاه احترام الدوله بهادر  
 را حسب معمول اندرون محل محل باو فرود  
 شتابگاه موافق روزی بعد عید عظیم  
 مسه و دومی و بود بیات فرود استر است کرده

# یوم محبت و سوم حب

بچایان نماز وقتی که آیه احرام الله و له بیان  
 را شرف نفس شناسی بخشیده مسند جهان  
 اراستند امری دولت و عیان سلطنت  
 با آگاه خسروی حاضر شده آداب و کوش  
 بود اساخته ملامت قطع شده کرامت  
 مرتبه مرتبه دارالاشای معلی است  
 بهادر شعر روانگی جهنم لازم است  
 نه در کس جبر برای نصیحت موضع کار و  
 دیده قبول والاشجیل مهر خاص فرموده حکم  
 احسن است شده دادند به پذیرش مجرا  
 و نسیم محبت بهادر و قلعه بهادر زربا  
 سعادت را جوید داخل شکوی شناسی  
 کرده اند نصف النهار هنگام نعمت پیرا  
 مایه طعام کشته قبلو که گاه اراستند با  
 نماز شبین و دیگر اشغال نشین حضور اند  
 خسرین نهاد محض بر سه تونزک و در  
 و بعد و چون برای تفریح و گلگشت همین بار  
 نشد بخت فرما گشته و از آنجا به زینت گاه  
 باغ روشن آرا متوجه گردید و امر محبت نمود

چون حویلی ملکه دوران انشای راه بود  
 از درجه فرا سخنانه رونق افزونیک  
 ملکه مدوید گردیده بعد مغرب بدو  
 معاودت کردند بزوقت نزول ابل  
 ارک مبارک نظارت خان و دیگر اراک  
 دستان شریف مجرا نواخته جلوارا  
 بارگاه خاص شدند و حسب معمول  
 احترام الله و له بهادر را اندرون یاد

# یوم محبت و سوم رب

بادای سنن فریضه یوم آذینه احترام الله و له  
 بهادر را شب بخت نفس شناسی خسته  
 مسند در بار جهاندار اراستند بعد  
 ساعتی داخل محل والاشند معتبر و الله  
 بهادر حسب حکم لباس نوروزی  
 و دخل کرد بغیره ناصیه جلالت قره باصره  
 خلافت مرزا محمد جوان بخت بهادر  
 بلکه منقطه حاتم دوران تنق ارای عصمت  
 بهروج برای عفت و رعیتیم نوازیست  
 محل بکیم و دیگر فرزندان خاص صید است

با خلاص وامری نامدار و خوانین  
 ذمی قار بوشاک نوروزی محبت  
 کردند و بر این تباری دستخوان نوروز  
 به از دهنه خضر فرمان رفعت و سعادت  
 خوشی تکمین و ایکاران ایشان حکم صادر  
 شد که فردا صبح در بار نوروزی خواب کرده  
 بر ای ادای نذور حاضر در بار گردند  
 کینه نشین ادب و کورتن محبت بنادر  
 و قلعه بنادر زمانی صحرای و جویدار  
 و غنیمت ایماجی و عاف فرموده نصف النهار  
 هنگام تک ای مایه طعام شده جلوه  
 گاه اراستند با دایمی نماز نشین و دیگر  
 اشغال و نشین عصر که اردند آخسین  
 بنادر حاضرین در دولت و در حضرت  
 نواختند شام گاه احترام الدوله بنادر  
 را یاد فرمودند بعد مغرب بگردشتم  
 و نیم کبیری شب در حضور لایع النهار  
 در دیوان خاص جلوه اراشد و مسند  
 نوروزی اراستند و کفایت بر دستخوان  
 سبوح بر قیوم حضرت بس در حضرت  
 منزه نظر بنادر بر بان لایع اراشد و مسند

علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه بخشید و  
 و عباس زنگ نوروزی بر قامت بر آید  
 زینت مسند شبی شده قوالان نامید  
 ترانه سنج نغمیت نوروز کردیده بازید  
 عمر و دولت اید به شاد و شاد و شاد و شاد  
 دادار برداشتند بعد از آن خوابگاه  
 خاص را اراش دادند فقط .....

# وہلے اردو و خبا

**منکات مقام سیر از پور معروف**  
**بریز کون** فیلڈ نورسل در نوروزی  
 نوروزی شد دروان میں غنمت خزل سپاہ کون  
 اینی سپاہ کی کارہای نمایان اور تزدات نمایان  
 جو کہ اونسی نقاب اہل ایران میں ہزار ماہ دیگر  
 کو سر کردگی اور کئی سردار شجاع الماک کے وقتوں میں آیا  
 بہت ناخوان میں اور اوہنیں مبارکباد تھی  
 میں اور کئی استقلال اور سعادت اور حسن سے  
 و جدوجہد اور تحمل شد اپنا و سنج و کون کوج  
 اور کون پیا کج بہت شکر کہ میں غنمت خزل

موصوف لکھتی ہیں کہ سپاہ مذکورہ فی تاریخ  
 ماہ مذکور کو شام کی وقت لشکر سے کوچ کیا  
 اور حیدرآباد اور غیرہ علاقہ پوشاک بہادر کے  
 کچھ ساتھ نہ لیکتی مگر ایک نے صرف کپڑوں کی بار  
 کوٹ اور دودن کا بچا ہوا کھانا ساتھ لیا  
 اور بعد ملی گرتی مسافر ہوا مہل کے اکتھیا  
 من کہ جس حصہ میں انہوں نے سفر موسم سرما  
 اور بارش میں باران رحمت سے نہایت تکلف  
 پای وہ باوجود تاریخ صبح کے وقت ایک مقام  
 میں پونجی جہانگدہ دشمنوں نے مورچہ بنای  
 ہوئی تھی اور جان کہ بہادر سپاہی ہم  
 باہر قواعد دان اور ۵۰ سوار اور ۱۸  
 تو میں اونکی پاس نہیں بروقت پوچھنے  
 مقام مذکور کے سپاہ انگریزی کی مقام  
 مذکور وجود اعلیٰ خانی یا بادیر انہوں نے  
 حال نزدیک سپاہ انگریزی کا لشکر ہی مورچہ  
 اس جگہ سے خالی کر دی کہ اونکی خدمت اور  
 اسباب لشکر اور سامان تو بخاڑوہ میں رہ گیا  
 اور اوسے اس کاڑ کے غارت قبیل پوچھنے فوت  
 انگریزی کے ٹوٹ لیکے تھے اس وقت نہیں ان  
 سواران اعدا کی کئی نہ تھی بن جو کہ کہا ہی

دی بہت کوشش کے گئی اور کچھ راسی  
 پہلی اکتھیا سوی ٹیلن انجی کم کار سکاں اور  
 انگریزی کی اور سپاہیوں کے بہادر وین تک قلعہ  
 رہ کے اور یہ حال سن کے کہ انگریزی  
 تو بہادر رہا کہ میں لیکتی ہیں کہ تاریخ  
 معاذرت کرنے شروع کی اور ذخیرہ اور دیگر  
 و غلہ کے جو کہ شاہ ایران نے اپنی فوج کے  
 لئے جمع کئے تھے انہی ساتھ لے لئے اور بار  
 وغیرہ اسباب اور کھانا دیا اور گولوں  
 اور زونوں وغیرہ کو کنوون میں ڈال دیا اور  
 اونکے بیڑے سے رکھتے تاکہ وہ بہادر کی کام  
 کے نہ میں آدھی رات کو سواران ایران  
 سپاہ انگریزی کی بجلی گارڈ برآمد کیا اور  
 بعض گروہوں نے اشارہ کوچ میں طرف  
 سے یورشیں کی یہ حال دیکھ کے فوج  
 انگریزی تھری گئی اور نظام اسکا اس طرح  
 عمل میں آیا کہ اسباب لشکر ہی کوچ اور  
 سے وہ قصد جگہ کارین اونکا مقصد ہی  
 کیا جاو جب بیان نہ نظام کہا گیا اونکی جان بوجہ  
 سے فوج انگریزی بہ گولہ زرنے لگا لیکن چونکہ  
 رات اندھیری تھی کچھ نہ بہر اونکی چھین لے گئے



۸ کونٹ ذکر کر سکے اور باقی تو بون کو بھی انون  
 کے نہ لیا اوس دن سیاہ اکر زہی نے متصل  
 میدان خشک قیام کیا اور راکو مسافت  
 بس میل کی ایسی ملک مین سی ملی کی جو کہ سب  
 شدت و کثرت مارش بر فتنہ کی قابل عملو پیر اور  
 نہ تھا اور وہاں جسہ گتہ آرام باکی اور توف  
 کر کی اکثر سیاہ پیادہ نے بہر طرف بو شہر کے  
 کوچ کیا  
 اور تاریخ صبح کے وقت بو شہر میں پہنچے

نہو سکی جب صبح ہوئی باغ جہ نزار سیاہ  
 ایران مع باغ ضرب توب کے عقب سیاہ  
 لکڑی زہی باغین طرف دیکھی گئی غبور دیکھنی  
 اس حال کے سواران و ارباب لکڑی زہی نے  
 اونہر حملہ کیا اور دوہین پیا دون کی اونکی  
 مہولی لئے اور ایک لہن پیا دون کی اسباب کے  
 حفاظت کی سی ماہور ہوئی اور فیروز پوئی  
 اس رخ کی سی گئی کہ اوس گتہ بہت ایرانی بار  
 گئے سواران نے بی و دندہ بہت شجاعت  
 سے حملہ کیا اور قیاب سے غرض تو جانہ اور  
 سواران سی سی سر لے لے ای رہی اور اس بجے  
 تک ایرانیوں کی شکست کامل اپنی فوج اکر زہی  
 اونکی دو بو بو مین جہن لہو اور سامان سگیز  
 اونکا کہ خچرون برتتا سیاہ اکر زہی نے  
 ہاتھ آیا اور کم سی کم سات سو آدمی اونکی  
 میدان کا زار مین کام آئی تعداد محرو  
 سیاہ ایران کی شمار ہوئی لیکن چونکہ  
 وہ اونہن اوشا تیکے اسلی تعیین اونکی  
 تعداد کا نامکن سی باقی لوک ایسی کہ اسٹ  
 اور ہی اتھامی سی بہاں گئی کہ اپنی سلاح جنگ  
 گئے مگر چونکہ سواران اکر زہی تھیل نہی اسلحہ نہ کو

کامیاب و سواران جنگ  
 و سواران جنگ  
 و سواران جنگ